

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۱۰۰۵/۱۲۹ رده بندی کنگره: ذ ۸۹۳/۲

آثار نقض قرارداد در حقوق ایران

عزت اله گنج خانلو

چکیده

قرارداد یک موافقت نامه قابل اجرا و قانونی بین دو یا چند گروه است. هسته بیشتر قراردادهای یک مجموعه از قولهای دو جانبه (یا در اصطلاح قانونی، "ملاحظات") است. قول هایی که هر یک از گروهها داده اند حقوق و وظایف آنها را مشخص می کند. قراردادهای در دادگاه قابل اجرا هستند. اگر یک طرف قرارداد به وظایف قراردادی خود عمل کند ولی طرف مقابل عمل نکند، ("قرارداد را بشکند") به طرفی که به وظایف خود عمل کرده است در دادگاه این حق داده می شود تا به حقوق خود برسد. برای عهد شکنی، وجود قرارداد الزام آوری ضروری بوده، حال سؤال اینجاست که محدوده این الزام قراردادی تا چه قدر است و تجاوز به کدامیک از تعهدات قراردادی عهد شکنی محسوب می گردد؟ بنابراین برای شناخت تعهدات ناشی از قرارداد و در نتیجه مسئولیت ناشی از تخلف از آنها باید محتوی قرارداد بطور کامل مورد توجه قرار گیرد. با شناخت موضوع قرارداد و تعیین میزان تعهدات طرفین قرارداد، مفهوم اجرای عقد روشن می گردد. سوال دیگری که به ذهن خطور می کند این است که آثار نقض قرارداد در حقوق ایران چیست و در فرض نقض یک قرارداد چه آثاری به جای می ماند.

واژگان کلیدی: نقض قرارداد، تعهدات طرفین، حق فسخ، قرارداد، مسئولیت طرفین

بخش اول: ماهیت نقض قرارداد و به بار آمدن مسئولیت

قرارداد (اعم از عقد معین یا نامعین موضوع ماده ۱۰ ق.م) که عموماً بین دو نفر منعقد می‌شود برای هر کدام از آنها یکسری تعهداتی را به وجود می‌آورد و اثراتی دارد که چنانچه یکی از طرفین از انجام دادن وظایف قراردادی در مقابل طرف دیگر امتناع ورزد اصطلاحاً می‌گوییم، قرار داد را نقض کرده است.^۱ در اینکه آیا لزوماً نقض از طرف یکی از طرفین قرارداد صورت می‌گیرد یا هر دو طرف باید مفاد قرارداد را انجام ندهند تا نقض صورت گیرد باید گفت که همانطور که معنای لغوی نقض (که به معنای شکستن عهد و پیمان) آمده است برداشت می‌شود، امکان دارد از جانب هر دو طرف قرارداد نیز صورت گیرد ولی نقض دو طرف حالات مختلفی می‌تواند داشته باشد مثلاً اگر هر دو طرف بر عدم انجام مفاد قرارداد توافق نمایند، این توافق آنها نوعی قرارداد است که به آن اقاله گویند ولی آنچه در اینجا مد نظر ماست، این است که، یکی از طرفین بر اجرای تکالیف قراردادی خود امتناع ورزد، و در نتیجه این امتناع، به طرف دیگر خسارتی وارد شود.^۲ البته برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد، نقض باید به مفهومی که گفته شد اثبات شود، و اثبات آن نیز طبق قاعده فقهی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» می‌باشد. باید توجه داشت که برای اثبات نقض قرارداد، ابتدا باید وجود آن اثبات گردد و پس از مفاد قرارداد وظایف هر کدام از طرفین را استخراج کرده و بر اساس آن نقض را اثبات کرد.^۳ ممکن است برای فرض عدم انطباق آنچه اجرا می‌شود با مفاد قرارداد پیش بینی های جبران کننده و لازمی به عمل آید که اینها به نحوی ضامن اجرای قرارداد

^۱ جعفری سعید، پایان نامه با موضوع آثار نقض قرارداد در فقه و حقوق و خسارت ناشی از آن با مطالعه تطبیقی در

اسناد بین المللی و حقوق انگلیس، ص ۴۸

^۲ همان منبع، ص ۵۵

^۳ امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، جلد اول، ص ۵۶، ص ۸۰

محسوب می‌شوند و در مباحث آتی به تفصیل راجع به این ضمانت‌های اجرا سخن خواهیم گفت. بویژه آنکه، چون موضوع اصلی این کتاب خود نوعی ضمانت اجرا تلقی می‌شود لذا در مبحث آینده برای تشریح موضوعات مشابه آن با تفصیل بیشتری به موضوع ضمانت اجرا، که در فرض عدم انطباق متعلق اجرای تعهد با مفاد تعهد ایفای نقش می‌کند، خواهیم پرداخت.^۱ از سوی دیگر عدم مطابقت اجرا با مفاد قرارداد اشکال و صور گوناگون دارد که اغلب نوعی تخلف محسوب می‌شوند و به ازای هر نوع یا صورتی از تخلف، آثار خاصی بر آن مترتب می‌گردد که در بسیاری از این صورتهای نیز به دلیل ورود خسارت علی‌القاعده پای موضوع جبران خسارت به میان کشیده می‌شود. بدین ترتیب برای اینکه سیر منطقی بحث را دنبال کرده باشیم ابتدا در این گفتار به مسئله تخلف و صور گوناگون تخلف از اجرای تعهد اشاره می‌کنیم، آنگاه در مبحث بعدی به مسئله ضمانتها و طرق پیشگیری از بروز تخلف از اجرای تعهد خواهیم پرداخت. چنانچه می‌دانیم فرض چنین است که متعهد باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا مفاد قرارداد را به طور کامل اجرا کند. در غیر این صورت علاوه بر ضمانت‌اجراهایی که معمولاً در قراردادها مطرح هستند، در بدو امر نیز متعهدله حق دارد از قبول آنچه اجرا شده و غیر منطبق با مفاد قرارداد است خودداری کند. ق.م.ایران در ماده ۲۷۵ آورده است:

((متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد استقبالی نماید اگر چه آن شیء قیمتا معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد)).^۲ البته ناگفته نماند که در کشورهای کامن لا اگرچه مبنای چنین حقی ناشی از تئوری ((قرارداد، قانون فیما بین متعاقدين است)) می‌باشد و تخطی از آن را به مثابه تخلف از قانون دانسته‌اند، اما در عین

^۱ شهیدی، مرحوم دکتر مهدی، سقوط تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، جلد اول، ص ۹۰

^۲ تعیین خسارت در قراردادها و تعهدات، دکتر قاسم شعبانی، صفحه ۳۸

حال رد متعلق اجرای تعهد غیرمنطبق با مفاد قرارداد و اجبار متعهد به اجرای عین تعهد را خلاف عدالت دانسته و آن را شیوه ای خشن و دور از انصاف تلقی می کنند. آنان معتقدند در صورت تخلف متعهد از اجرای تعهد حتی الامکان استفاده از طرق دیگری که انتظارات متعهدله را برآورده میکند و خسارات ناشی از تخلف را جبران می سازد، پسندیده تر است.^۱ برخلاف حقوق نوشته، نظیر آنچه در فرانسه و آلمان پذیرفته شده است، طرفین، به دلیل ملاحظات عملی بیشتر و نیز از آنجا که قرارداد را متضمن یک ارزش مالی صرف و زمینه ای برای کسب منفعت تلقی می کنند؛ از اجرای معادل مفاد قرارداد یا جبران خسارت، خرسند می گردند.^۲

به هر حال اساساً تخلف از اجرای تعهد در هیچ یک از نظامهای حقوقی جهان مجاز نیست و متعهد در صورت تخلف، یا اجبار به اجرای عین تعهد می شود و یا به طریق دیگری خسارات ناشی از تخلف را باید جبران کند. اما تخلف، نقض عهد و به تعبیر دیگر عدم اجرای تعهد اشکال و صور مختلفی دارد. خسارت در لغت، به معنی «ضرر»^۳ آمده است، فعل آن خسارت کشیدن می باشد که به معنی متحمل خسارت شدن، ضرر بردن و جبران ضرر کسی را کردن است. در حقوق مالی است که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی بدیگری شده به متضرر داده شود^۴ و زیان دارد شده را هم خسارت گویند و در اصلاح به معنی زیان یا ضرر وارده آمده است. در عرف نیز مانند حقوقدانان آنرا به معنای اصطلاحی آن بکار می برند. خسارت سنگ اول و بنای مسئولیت است. قانون صراحتاً آنرا

^۱ Gareth Jones William goodharf. ۱۹۸۶. p. ۲

^۲ رنه دیوید، نظامهای حقوقی معاصر، ترجمه آقایان صفایی، آشوری، عراقی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر

دانشگاهی، صفحه ۲۹۷

^۳ - علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول، واژه خسارت.

^۴ - مجمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰، واژه خسارت.

تعریف ننموده است. ولی در جاهای مختلفی از آن نام برده مانند خسارت دادرسی، خسارت تأخیر تأدیه، خسارت حاصله از عدم انجام تعهد و ضرر مادی و معنوی.^۱

بخش دوم: بررسی شناخت آثار نقض قرارداد و عقد

تاریخ حقوق قراردادها و پیمایش مراحل تکوین آن تا به امروز که مرحله شکوفایی اقتصاد و تجارت آزاد جهانی است، گواه بر این است که وقتی دو نفر تعهد می کنند تا دو عوض را در اختیار یکدیگر قرار دهند و یا یکی در برابر اخذ مبلغی، تعهد به انجام کاری می کند، دو عوض و یا دو تعهد در برابر یکدیگر است و نقض هریک از آن دو، سبب می شود که ذیحقی با هروسیله ممکن ولو باتوسل به قوه قهریه عمومی، مطلوب و عوض خویش را به دست آورد و عهدشکن را به سزای عمل ناپسندش برساند، این امر یا مبتنی بر توافق اراده دو طرف است و یا بر اساس قواعد اخلاقی و مذهبی و یا بر اساس قواعد الزام آور تضمین کننده نظم عمومی جامعه.^۲ بنابراین، دیدگاه حاکم این بود که ناقض قرارداد، فردی متخلف است و متعهده فردی متضرر و بازمانده از مطلوب خویش، لذا اندیشه شدتاً هم متخلف به سزای عملش رسیده و هم متعهده به مقصود خود دست پیدا کند و جامعه نیز به اطمینان لازم در استحکام قراردادها برسد. این اندیشه منجر به خلق نظریه اجرای اجباری عین تعهد شد.^۳

^۱ ماده ۱ ق. م. م مصوب مرداد ماه ۱۳۳۹

^۲ کاتوزیان، ناصر، عقود معین، کتابخانه گنج دانش، چ اول، تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۳۳

^۳ کاتوزیان، ۱۳۷۹، قواعد عمومی قرارداد، ص ۱۵۳

بند اول: حق اجبار به اجرای قرارداد

درباره نیروی الزام آور عقد سه نظریه حاکمیت اراده، قواعد اخلاقی و مذهبی و الزامات اجتماعی ارایه شده است. براساس نظریه حاکمیت اراده اجرای عین تعهد، خواست اولی و اصلی طرفین عقد است. چراکه اگر چنین نبود، ورود به انعقاد این چنین قراردادی عاقلانه نبود. مطابق نظریه قواعد اخلاقی و مذهبی، آنچه به طور مسلم، از سوی وجدان آدمی و اخلاق و مذهب وفای به عهد محسوب می شود، اجرای عین تعهد است و نه بیشتر و یا کمتر. هرچند که اینگونه وفای به عهد به ضرر متعهدله باشد و طبق نظریه الزامات اجتماعی، اجرای عین تعهد، لازمه این نظریه است، چراکه قواعد و مقررات ناشی از ضرورت های اجتماعی، آنرا اقتضاء دارد براساس این ایده، به هر طریق ممکن، قانون نه تنها دسترسی متعهدله را به عین تعهد تضمین می نماید، بلکه طرفین را ملزم می نماید تا امکان دستیابی به اجرای عین تعهد وجود دارد باید به آن گردن نهند.^۱

هریک از این سه نظریه دارای آثار مهمی است که بر حقوق قراردادهای اکثر سیستم ها و نظام های حقوقی اثر گذاشته و در پاره ای موارد هنوز هم تأثیر گذارند، لیکن باید اذعان کرد که در روابط قراردادی جهان اقتصادی امروز، هیچ یک از این نظریات به تنهایی نمی تواند مبنای لزوم و التزام ناشی از قرارداد باشد. به نظر می رسد هر کدام از این مبانی در به وجود آوردن آن سهمی در خورتوجه دارند و مبنای اصل لزوم وفای به عقد، آمیزه ای از اصل حاکمیت اراده، قواعد اخلاقی و الزامات اجتماعی است. دلیل این امر هم بنای عقلاء و خرد جمعی بشری است که بعد از فرآیندی طولانی به آن رسیده است. توجه داشته باشید که هرگاه متعهد از وفای به عهد خودداری کند، متعهدله حق دارد با استفاده از قوای عمومی

و مثلاً با استفاده از اجرائیه صادره از سوی ثبت یا قرار یا حکم صادره از سوی دادگاه، متعهد را ملزم به اجرای عین تعهد بنماید. اجرای عین تعهد یعنی موضوع تعهد عیناً و بدون کم و کاست اجرا شود. الزام به اجرای عین تعهد به طور منطقی نخستین حقی است که متعهدله می تواند از آن استفاده کند. چرا که طبیعتاً هدف وانگیزه اصلی طرفین هر قراردادی انجام تعهدناشی از آن است. اقدام به اجبار متعهد به حدی مقبول و پذیرفته است که نه تنها آن را مغایر با اصالت و حیثیت انسانی نمی دانند بلکه آن را بسیار منطقی و طبیعی نیز قلمداد می کنند.^۱ از میان عبارات و متون قانونی ماده ۲۴۹ ق. الموجبات والعقود اللبنانی از همه رساتر به نظر می رسد: يجب على قدر المستطاع ان توفى الموجبات عينا، اذ، ان للدائن. از آنجا که اصلی ترین هدف طرفین هر قراردادی دستیابی به مفاد و موضوع قرارداد است، لذا این حق تقریباً در تمامی نظامهای حقوقی جهان پذیرفته شده است. در این خصوص افراطی ترین نظریه ها در حقوق سوسیالیستی (اتحاد جماهیر شوروی سابق) مشاهده می شود که اجرای عین تعهد را به عنوان یک اصل پذیرفته و با توجه به اینکه هدف اجرای قرارداد را تضمین یک امر مهم و اساسی یعنی اجرای (برنامه) می دانند نسبت به اجرای این اصل شدت عمل فوق العاده ای نشان می دهند. لذا هرگونه عدم اجرای قرارداد را موجب تحمل مجازات شدید می دانند. علاوه بر آن طرفین قرارداد باید در متن قراردادها جریمه هایی را به عنوان وجه التزام پیش بینی کنند که به منزله تخمین مقطوع خسارت احتمالی هم نیست، بلکه صرفاً جنبه تنبیهی داشته و برای ضمانت اجرای قرارداد گنجانده می شوند و هیچ یک از طرفین، حق معاف کردن طرف دیگری نسبت به این وجه التزامها را نیز ندارند. خلاصه اینکه اجرای عین قراردادها که جزئی از اجرای برنامه محسوب می شوند از

^۱ مواد ۲۳۷، ۲۳۸، ۳۷۶، ۴۷۶، ۵۳۴، ۷۷۹ ق.م.ایران و ماده ۴۰۳ ق.م.مصر، ماده ۲۴۹ ق.الموجبات و العقود اللبنان، ماده ۲۰۴ ق.م.سوریه، ماده ۵۲ قانون بیع ۱۹۷۲ انگلیس و ماده ۷۱۶-۲ از U.C.C.

قواعد مربوط به نظم عمومی بوده و تخلف از آن به هیچ وجه مجاز نیست.^۱ در مقابل این نظریه، در حقوق کامن لا، اگرچه اجبار به (اجرای عین تعهد) بطور اصولی به عنوان یک قاعده پذیرفته شده است اما اغلب، دادگاهها و محاکم انگلیسی باقیود و شروطی اقدام به صدور رأی به اجرای عین تعهد می کنند. بلکه حتی المقدور از طرق دیگر جبران خسارت یا ضمانت اجرای تعهدات، متعهد را وادار به اجرای تعهد می کنند. در توجیه این نظریه گفته شده است: آنچه باید هدف اصلی آرا و تصمیمات محاکم باشد اجرای عدالت است و لذا در صورتی دادگاهها به اجرای عین تعهد باید حکم کنند که اجرای عین تعهد کاملتر یا کاملترین شیوه تضمین عدالت باشد. از نظر حقوقدانان این نظام حقوقی، اجرای عین تعهد را می است خشن و در صورت امکان برآورده شدن انتظارات متعهدله از طرق دیگر، ایجاد فشار و تحمیل زور امری ناپسند و زشت است. اما در عین حال به رغم تقییح این شیوه در حقوق کامن لا، در پاره ای موارد حکم به اجرای عین تعهد داده می شود. البته ناگفته نماند که ابتدا دادگاههای انصاف اقدام به صدور آرای اجرای عین تعهد می نمودند، سپس از قرن ۱۹ به بعد دادگاه های دیگر انگلیس نیز این شیوه را در مواردی با رعایت موارد ذیل دنبال کردند:

اولا با توجه به اینکه تشخیص عادلانه بودن شیوه ی اجبار به اجرای عین تعهد یا شیوه های دیگر در هریک از قراردادها بسته به وضعیت خاص قرارداد دارد و حکم کلی درباره ی تمام قراردادها ممکن نیست، لذا اساسا دادگاهها و محاکم نسبت به صدور رأی به اجرای عین تعهد یا شیوه های دیگر مثل حق فسخ توام با جبران خسارت، آزاد و مختارند و این امر به اختیار قاضی واگذار شده است.^۲ ثانيا هرگاه شیوه های دیگر، مثل فسخ قرارداد همراه با پرداخت خسارت کافی برای جبران خسارت وارده تشخیص داده نشود و از نظر قاضی

^۱ رنه دیوید، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر پیشین، ص ۲۹۷، ش ۲۶۱

^۲ Guest (A.G.), The Common Law Library, No. ۱۱, Benjamin s, Sale of good s, ۳th.ed.,

نیز این شیوه ها موجب عدم تکافو خسارت باشند، حکم به اجبار اجرای عین تعهد داده می شود. به عنوان مثال در مواردی مثل ورود خسارت معنوی، تحویل مال، اجرای سند رسمی، توقیف اموال، یا اگر تعیین خسارت مشکل باشد، و یا متعهدله از اثبات خسارت عاجز گردد و یا در صورتی که متعهد به دلیل ورشکستگی از پرداخت خسارت ناتوان باشد، اغلب به اجرای عین تعهد حکم داده می شود. اما در عین حال در هیچ یک از این موارد نباید اجرای عین قرارداد با عدالت مغایرت داشته باشد. بنابراین، در نظام حقوقی کامن لا اگرچه اجبار به اجرای عین تعهد پذیرفته شده است و قانون ایالات متحده آمریکا نیز اعتبار این طریقه جبران خسارت را گسترش داده است، اما همواره رعایت قیود و شروطی که اهم آنرا بر شمردیم در این نظام حقوقی الزامی است، تاجایی که می توان گفت اجبار به اجرای عین تعهد یک امر استثنایی بوده و آن هم درجایی که قواعد انصاف اقتضاء می کند و شیوه ی پرداخت خسارت هم کافی برای جبران زیانهای وارده نباشد. به همین دلیل در موارد ذیل اساسا اجبار به اجرای عین تعهد به هیچ وجه مورد رأی و حکم محاکم قراردانی گیرندگان و شیوه های دیگر جبران خسارت استفاده می شود:

۱- در قراردادهایی که وظایف مستمری بر عهده متعهد گذاشته می شود، چون اجبار به اجرای عین تعهد مستلزم نظارت مستمر محاکم نیز می باشد، لذا از صدور حکم به اجرای عین تعهد خودداری می شود. مثلا در قراردادی که حضور یک نفر نگهبان از طرف دادگاه جهت نظارت مستمر در یک آپارتمان لازم بود، دادگاه تقاضای اجرای عین تعهد را نپذیرفت.

۲- هرگاه اجبار به اجرای تمام عین تعهد ممکن نباشد، اجبار به (اجرای بعض تعهد) هم

مجاز نیست و رأی داده نمی شود.

۳- در قراردادهایی که مربوط به خدمات اشخاص مستخدم می‌باشند، طبق بخش ۱۶ قانون روابط کارگری انگلیس مصوب ۱۹۶۹، رأی به اجبار اجرای عین تعهد نیز منتفی است. در این مقررات می‌خوانیم: هیچ محکمه‌ای نباید حکم به اجبار اجرای عین تعهدات مستخدم داده یا با صدور دستور موقت مانع نقض قرارداد گردد.

۴- عموماً اگر راه‌های دیگر جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات مناسب‌تر باشند اجبار به اجرای عین تعهدات مجاز نیست. نظیر قراردادهای مربوط به فروش کالا یا سهام.

۵- در مواردی که اجبار به اجرای عین تعهد مستلزم مشقت و یا عسر و حرج برای متعهد باشد دادگاه‌ها طریقه دیگر جبران خسارت را مورد حکم قرار می‌دهند. کما اینکه در دعوی Ali Pate دادگاه چنین کرد. (در این دعوا به دلیل اینکه خوانده (علی) مبتلا به بیماری سختی بود و به ناچار باید در نزدیکی خویشاوندان خود زندگی می‌کرد، دادگاه تقاضای خواهان مبنی بر تخلیه ساختمان خریداری شده را پذیرفت و تنها حکم به جبران خسارت داد، زیرا از نظر دادگاه شرایط متعهد ظرف چهار سال تغییر کرده بود. به عنوان خلاصه و ماحصل نظریه حقوق کامن لا باید گفت، اجبار به اجرای عین تعهد در این نظام پذیرفته شده است و همانند سایر طرق جبران خسارت و به تعبیر دیگر به عنوان یک ضمانت اجرا در کنار سایر ضمانت‌های اجرای تعهدات قراردادی به رسمیت شناخته شده اما نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه، انتخاب طریقه اجبار به اجرای عین تعهد در کنار سایر طرق با قاضی است.^۱

بند دوم: بررسی ماهیتی حق فسخ قرارداد به عنوان یکی از موارد نقض

قرارداد

^۱ کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی «وقایع حقوقی»، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، چاپ ششم، ص ۱۳۳

اصولاً یک شرط قراردادی یا یک شرط اصلی (صریح یا ضمنی) است و یا یک شرط فرعی (صریح یا ضمنی) می باشد. حق فسخ ناشی از نقض یک قرارداد تنها وقتی ایجاد می شود که شرط قراردادی نقض شده یک شرط اصلی باشد. البته ممکن است یکی از طرفین عقد در ضمن آن، به طور صریح، در مواردی غیر از نقض قرارداد نیز حق فسخ در نظر بگیرد. (برای مثال، خریدار یک زمین که برای خود حق فسخ در نظر می گیرد می تواند برای اینکه در مواردی که دادخواست او برای اخذ مجوز جهت فسخ قرارداد به دادگاه ارائه می شود به مشکل برخورد نکند، شرط ضمن عقدی را در قرارداد داخل نماید). برخورد دستگاه قضایی با حق فسخ ناشی از نقض قرارداد، بر چهار اصل زیر استوار است:

۱- لزوم متناسب بودن آثار نقض قرارداد با فسخ: اعطای مجوز فسخ قرارداد به طرف بی تقصیر در مواردی سبب عدم رعایت عدالت در خصوص ناقض قرارداد می گردد. در چنین اوضاع و احوالی، اعطای حق فسخ با اهمیت آثار ناشی از نقض قرارداد تناسب ندارد.

۲- اصل سوء نیت: به طرف بی تقصیر عقد نباید اجازه داده شود تا در مواردی که دلیل اصلی فسخ عقد توسط وی، نفس نقض قرارداد صورت گرفته نیست، از یک نقض قراردادی جزئی به عنوان بهانه ای برای فسخ قرارداد استفاده کند.

۳- اصل قطعی بودن: بدون شک، در موارد نقض قرارداد، باید خسارات وارد شده به طرف بی تقصیر را جبران نمود. اما نکته این است که اگر (الف) قرارداد رانقض کرد ولی فسخ قرارداد توسط (ب) غیر قابل توجیه باشد. اقدام تلافی جویانه ی (ب) (طرف بی تقصیر) نیز نقض قرارداد محسوب خواهد شد.

۴- اصل الزام آور بودن قرارداد: طرفین قرارداد به آسانی نمی‌توانند از شروط موجود در معامله بری شوند.^۱

این اصول ضرورتاً یکسان و در یک جهت عمل نمی‌کنند. برای مثال در قضیه (اسچولر علیه ویکمان) قضات بلندپایه در پاسخ به این سوال که آیا یک نقض جزئی در خصوص تعهد به بازرسی (که در قرارداد به عنوان یک شرط اصلی نسبت به آن تعهد شده است) توجیه کننده فسخ می‌باشد یا خیر، دچار اختلاف نظر شدند. یکی از دلایل این اختلاف نظر آن است که اکثریت قضات دادگاه اصل لزوم متناسب بودن آثار نقض قرارداد با فسخ (و شاید این اصل به اضافه ی اصل سوء نیت) را اعمال کردند در حالی که دیدگاه لرد ویلبر فورس به عنوان اقلیت، بر مبنای اصول قطعی بودن و الزام آور بودن قرارداد استوار شده بود. در هر حال تفاوت میان اصول مذکور چیزی بیش از یک اختلاف نظر ساده در یک قضیه ی خاص است. زیرا تفاوت میان اصول مذکور، دوشیوه کلی متفاوت در خصوص مسأله شروط اصلی و فسخ را پایه ریزی می‌کند. شیوه ی سستی که تحت عنوان (شیوه ی مبتنی بر طبقه بندی) شناخته می‌شود، اعمال حق فسخ را به طور مضیق و تنها در مورد شروط اصلی قرارداد جایز میدانند. ملاک تشخیص اصلی بودن یک شرط (در غیاب وجود طبقه بندی قانونی، رویه قضایی و یا توافق) این است که بررسی کنیم که آیا شرط مذکور اساسی و بنیادین است یا خیر و همچنین بررسی کنیم که آیا نقض آن شرط، لزوماً به اساس و ریشه ی قرارداد خلل وارد می‌آورد یا خیر. در اصل، شیوه ی مبتنی بر طبقه بندی، این مطلب را مفروض می‌گیرد که اگرچه ممکن است که به هنگام انعقاد قرارداد، طرفین قرارداد شروط خاصی را شرط اصلی یا شرط فرعی قرار دهند، اما نتایج عملی نقض های آتی احتمالی با تقسیم بندی و طبقه بندی ابتدایی شروط بی ارتباط هستند. برخلاف شیوه ی

^۱ شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، انتشارات مجد، چ اول، تهران

سنتی، شیوه ی امروزی که از رأی دادگاه استیناف در قضیه (هنگ کنگ فیرشپینگ ۱۹۶۲) برگرفته شده است، آثار و نتایج حقیقی نقض قرارداد به عنوان یک مسأله با اهمیت مورد بررسی قرار می گیرند. در این قضیه، سوال این بود که آیا اقدام صاحبان کشتی در خصوص نقض تعهد خود مبنی بر لزوم تحویل یک کشتی دارای قابلیت دریانوردی، عملکرد مستاجر کشتی در خصوص فسخ قرارداد را توجیه می کرد یا خیر.

بر اساس نظر دادگاه، نمی توان دقیقا مشخص نمود که شرطی نظیر داشتن قابلیت دریانوردی یک شرط اصلی است یا فرعی زیرا در برخی از موارد، نقض شرط داشتن قابلیت دریانوردی ممکن است تبعات بسیار جدی در پی داشته باشد در حالی که در سایر موارد ممکن است تبعات جدی در بر نداشته باشد. بدین ترتیب، اگر فرعی یا اصلی بودن شرط داشتن قابلیت دریانوردی از قبل به وسیله ی قانون یا طرفین قرارداد مشخص نشده باشد، تنها راه حل و شیوه ی معقول آن است که شرط مذکور را یک شرط (نامعین) در نظر بگیریم و با توجه به آثار و نتایج واقعی حاصل از نقض شرط، اصلی یا فرعی بودن آن را مشخص کنیم. دادگاه ضمن تشریح تفصیلی و دقیق این شیوه ی نتیجه گرا، اظهار داشت که در صورت نقض یک شرط نامعین، اگر آثار حقیقی نقض شرط مذکور به حدی باشد که طرف دیگر قرارداد، به نحو اساسی همه ی منفعت خود در معامله را از دست بدهد، نقض مذکور را باید نقض یک شرط اصلی قلمداد نمود.^۱ یکی دیگر از ابزارهایی که متعهدله می تواند با استفاده از آن متعهد را وادار به اجرای تعهد کند حق فسخ است. یعنی متعهدله می تواند با استفاده از این اختیار قانونی مانع سوء استفاده متعهد شود و به دلیل داشتن این حق او را از تخلف در انجام تعهد منصرف سازد. البته طبیعی است که استفاده از این حق در صورتی مفید است و به عنوان ضمانت اجرا دارای کاربرد عملی است که در صورت اعمال این حق

^۱ داراب پور، دکتر مهرباب، قاعده مقابله با خسارات، انتشارات گنج دانش، چ اول، تهران، ص ۱۴۸

ازسوی متعهدله، ضرروزیانی متوجه متعهدله شود و یا منفعت بیشتری را نسبت به منافع حاصله ازعدم اجرای تعهد ازدست بدهد و یا مستلزم ورود خسارت معنوی واجتماعی و غیره باشد که باتوجه به چنین احتمالی متعهد از عهدشکنی و تخلف صرف نظرخواهد کرد که بالطبع، از این رهگذر حق فسخ،چهره خودرابه عنوان ضمانت اجرا آشکار می سازد.پس حق فسخ همیشه ودرهمه موارد به عنوان ضمانت اجرا کاربرد نخواهد داشت. یعنی اگرچه حق فسخ در بسیاری از معاملات مشروع وقانونی است ومتعهدله می تواند با اعمال این حق معامله رابرهم بزند ، اما ممکن است به عنوان یک وسیله تضمین پایبندی متعهد به تعهدحاصله،کارآمدنباشد. حق فسخ،صرف نظر ازاینکه ماهیتا از اقسام خیار شرط به شمارآید یا آن را به عنوان وسیله جبران ضرر محسوب سازیم،درمواردی که اعمال آن از نظر متعهد مطلوب نباشد به عنوان ضمانت اجرا قابل قبول است.اماچنانچه صرفا مانع ورودضرر وخسارت برای متعهدله باشد واعمال این حق تهدیدی علیه متعهد نباشد طبیعی است که خاصیت خودرا به عنوان ضمانت اجرا از دست خواهد داد.

بند سوم: حق حبس ناشی از نقض قرارداد

یکی دیگر از وسایل تضمین اجرای قراردادیا به تعبیری ضمانت اجرای تعهد،حق گروکشی است.این حق که آن را اصطلاحا حق حبس می گویند اساساً مبتنی براصل همبستگی دو عوض است.عدالت معاوضی اقتضاء داردکه در هر دادوستد ومعامله ای،عملا مبادله وجابجایی نیز صورت گیرد.این اصل به قدری مهم و لازم الرعایه است که تصمیم بر خلاف آن،چه بسا به عنوان تصمیم خلاف مقتضای عقد،اصل تراضی را که عنصراصلی تکوین عقدو قرارداد محسوب می شود مخدوش و بی اساس کند.بنابراین روشن است که حق حبس براعتقادی مبنایی و اساسی در معاملات که از آن به «اصل همبستگی» یاد کردیم تکیه دارد.ازسوی دیگر بدیهی است که طرفین هر قراردادی به اجرای مفاد آن می اندیشند

و تمامی تلاش خود را مقدمه ای برای دستیابی به آنچه که طرف مقابل متعهد به اجرای آن شده است می دانند. لذا در واقع هر عقد و قراردادی زمانی وافی به مقصود است که مفاد عقد بدرستی و کامل اجرا گردد. پس هرگاه یکی از طرفین قرارداد با اتکاء به ضوابط و مقررات قانونی و با استفاده از ابزاری بتواند طرف دیگر را از نیل به مقاصدش در تخلف از اجرای تعهد باز دارد و منافع مورد نظر او را تهدید کند، بالطبع آن وسیله می تواند به عنوان یک ضمانت اجرا برای قرارداد فی مابین تلقی شود. بر همین اساس حق حبس به معنای «حق خودداری یک طرف از اجرای تعهد تا اقدام به اجرای تعهد از سوی طرف مقابل» در ماهیت و ذات خود یک ضمانت اجرای تعهدات ناشی از قرارداد محسوب می شود. اینک حق حبس در اغلب نظامهای حقوقی جهان پذیرفته شده و حتی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین نیز آن را به عنوان یک حق مسلم مورد شناسایی قرارداد داده است. در هر حال به طور قطع، اقتضای عقد چیزی جز تملیک بالعوض نیست و اگرچه وجوب تسلیم از آن ناشی نشود اما مطلق بودن وجوب تسلیم و نیز همزمانی دو تسلیم (تقارن در معاوضه) و عدم اولویت در تسلیم از صفات و عوارض معاوضی بودن در تسلیم هستند. وجوب تسلیم چه منشأ عقلی داشته باشد و چه شرعی، اما التزام هر دو طرف به تسلیم، در عقد بیع، در مرحله ثبوت و اجرا یکسان و همزمان می باشد. این قضایا مورد اتفاق فقهاء و حقوقدانان ماست. همانند انتقال همزمان مالکیت مبیع و ثمن در زمان انعقاد عقد. این همزمانی و تقارن در تسلیم به حدی مورد قبول نظام حقوقی ماست که حتی اگر یکی از طرفین به دلیل خارجی و خارج از اراده، مثل تغییر اوضاع و احوال یا افلاس و ورشکستگی قادر به اجرای تعهد و تسلیم نباشد حق خودداری از تسلیم (حق حبس) برای طرف مقابل باقی و مجاز است. قانون مدنی ایران اگرچه تعریف مدون و صریحی برای حق حبس ندارد اما بی تردید ضمن اینکه آن را به رسمیت شناخته، چنین استنباط می شود که هیچ اولویتی برای یک طرف در تسلیم قائل

نیست. به علاوه مواد بسیاری در قوانین و مقررات ایران آمده است که به وضوح قائل به قانونی بودن این حق در نظام حقوق ایران است. در اینجا به دلیل اجتناب از تطویل کلام و خروج از موضوع اصلی، از تحلیل این مقررات صرف نظر نموده و صرفاً به ذکر آنها اکتفا می‌شود. از قانون مدنی مواد ۳۸۰، ۳۷۷، ۷۸۳، ۱۰۸۵ و موادی از قانون تجارت ضمن تصریح به حق حبس که به احکام آن پرداخته اند عبارتند از: ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۹۰ و ۵۳۳. همچنین در ماده اول قانون راجع به بدهی واردین به مهمان خانه ها و پانسیون مصوب ۱۳۱۲/۶/۱ می‌خوانیم: «صاحبان مهمانخانه ها و پانسیونها و جاهایی مانند آن حق دارند مادام که واردیامسافر بدهی خود را از بابت کرایه منزل و قیمت غذا چیزهایی که مصرف کرده اند نپردازد، از خروج اشیاء و اثاث متعلق به او معادل بدهی او جلوگیری کرده و...»^۱. حق مهم تری که در راستای حق حبس به رسمیت شناخته شده است حق بازفروش (re-sale) کالای فروخته شده، برای فروشنده است. این حق هم در حقوق انگلیس طبق بند ۳ ماده ۴۸ قانون بیع انگلیس مورد شناسایی قرار گرفته و هم در مواد ۷۰۶-۱۲ از U.C.C. در حقوق آمریکا. در این مقررات آمده است هرگاه خریدار مرتکب نقض قرارداد شود فروشنده می‌تواند کالای فروخته شده را بازفروش کند. بازفروش باید با حسن نیت و باشیوه معقول و متعارف بازرگانی صورت گیرد به گونه ای که مقررات حکم می‌کنند. فروشنده می‌تواند مابه التفاوت قیمت فروش (در بازفروشی) با قیمتی را که در قرارداد تعیین شده بود، به اضافه هزینه های متفرقه و فرعی وصول کند. به هر حال قاعده اصلی در کامن لا «منع حبس مال غیر» است که این قاعده متضمن حقوق سایر طلبکاران می‌باشد. اما با توجه به مبنای قاعده حبس که در دو حقوق انگلیس و آمریکا گفته شد، به هر حال حق حبس به عنوان

^۱ غفاری فارسانی، بهنام، اثر نقض قابل پیش بینی در روابط قراردادی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و

قاعده ثانوی که علی الاصول نقش ضمانت اجرای تعهدات قراردادی را ایفا می کند در این نظام حقوقی کاملاً شناخته شده است.^۱

برخی از صاحب نظران حقوق کامن لا در تقسیم بندی حق حبس سه نوع حق حبس را مورد شناسایی قرار داده اند.

۱- حق حبس تصرفی

۲- حق حبس دریایی

۳- حق حبس انصافی

حق حبس تصرفی (تملیکی) یا (حقوقی) به نوبه خود تقسیم می شود به حق حبس عام و حق حبس خاص.

حق حبس عام یعنی اینکه متصرف اموال منقول، حق تصرف آنها را مادامی که کلیه ادعای او در برابر مالک برآورده شود دارا می باشد. دادگاهها زمانی حق حبس عام را به عنوان بخشی از حقوق کامن لا می پذیرند که عرف چنین حقی را پذیرا باشد. مبنای حق حبس عام را وجود تقابل میان مال محبوس و دین مورد ادعا عنوان می کنند؛ صرف نظر از اینکه بین آن دو ارتباط تبادلی وجود داشته باشد. اما حق حبس خاص به این معناست که متصرف مادامی که هزینه های به عمل آورده بابت نگهداری کالا را دریافت ندارد می تواند کالا را در تصرف خود داشته باشد. نظیر آنچه در پرونده *Green V. All motors* دادگاه بدان رأی داده است. در حقوق کشورهای تابع حقوق انگلوساکسن نظیر کانادا و هند نیز حق حبس با وضعیت مشابه پذیرفته شده است. در ماده ۱۴۹۶ ق.م. کانادا، آمده

^۱ غفاری فارسانی، بهنام، اثر نقض قابل پیش بینی در روابط قراردادی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۱۳۱

است: هر گاه خریدار از پرداخت ثمن معامله خودداری ورزد، فروشنده ملزم به تسلیم کالا نیست مگر وجه تضمین شده ای برای پرداخت وجود داشته باشد. در هر حال از آنچه تاکنون گفته شد، چنین استنباط می شود که قوانین و مقررات قریب به اتفاق نظامهای معتبر حقوقی جهان حق حبس را مورد شناسایی قرارداده و بی شک باتوجه به کاربردی که دارد می تواند به عنوان یک ضمانت اجرا در تعهدات قراردادی ایفای نقش کند. در مهم ترین گام این پویه، هم اینک باتصویب ماده ۸۵ کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ و این نیز حق حبس این چنین مورد توجه قرار گرفت: «...فروشنده حق دارد تا زمانی که خریدار هزینه های متعارف انجام شده را تأدیه نکند کالا را حبس نماید.» از سوی دیگر نیز به موجب ماده ۸۶ کنوانسیون مزبور «هر گاه خریداری کالا را دریافت کرده و قصد اعمال احدی از حقوق خود در چهارچوب قرارداد و این کنوانسیون دایر بر رد کالا نماید، مکلف است چنان اقداماتی را که بر حسب اوضاع و احوال برای حفاظت از کالا متعارف است، معمول دارد. خریدار حق دارد تا زمانی که فروشنده هزینه های متعارف انجام شده را تأدیه نکرده کالا را حبس نماید.»^۱

نتیجه گیری

در بیان کلی و جمع بندی باید گفت که روش معمول جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی در محاکم کشورهای دارای نظام حقوقی کامن لا معمولاً پرداخت غرامت به صورت پول می باشد در حالی که در کشورهای دارای نظام حقوق نوشته ، معمولاً از روش الزام متخلف به انجام تعهدات قراردادی استفاده می شود . همان طور که فهمیدیم در روش الزام به انجام تعهد ، دادگاه طرف نقض کننده قرارداد را مجبور می کند

^۱ شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، انتشارات مجد، چ اول، تهران، ۱۳۸۵

که تعهدی را که به موجب قرارداد بر عهده او قرار گرفته است را به انجام برساند. اما به نظر بنده دادگاه‌های کشورهای دارای نظام کامن لا به روش الزام طرف‌های قرارداد به انجام تعهدات قراردادی به دیده تردید می‌نگرند و آن‌ها این روش را سخت و خشن می‌دانند. فرق شرط «وجه‌التزام» به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای تعهد قراردادی با شرط تعیین خسارت قراردادی را می‌توان این‌گونه بیان کرد که در مطالبه وجه التزام در مواردی که «وجه التزام» به عنوان ضمانت‌اجرای عدم‌اجرای تعهد و یا تأخیر در اجرای آن است، مطالبه وجه‌التزام با اثبات ورود خسارت ملازمه ندارد حتی اگر هیچ‌گونه خسارتی وارد نشده باشد، بدون کم و کاست از ناقض قرارداد قابل مطالبه است. اما درخصوص وجه تعیینی به عنوان خسارت مقطوع اثبات ورود خسارت (اعم از مادی یا عدم‌النفع و...) از سوی متعهدله لازم است و شرایط و اوصاف خسارت قابل مطالبه باید ملحوظ باشد. گرچه مبلغ تعیین شده قابل کم و زیاد شدن نسبت به خسارت واقعی وارد شده نخواهد شد که از این حیث با وجه‌التزام شباهت دارد. اما چه وجه‌التزام و چه خسارت تعیین شده به صورت مقطوع در قرار داد، مشمول ماده ۱۰۱۰ق.م. است و بر طرفین، عمل به مفاد آن لازم‌الاتباع است. به هر حال همه نظام‌های حقوقی به دنبال جبران کامل خسارت هستند، در این راستا به دلیل اولیه بودن طریق جبرانی خسارت در میان سایر طرق جبرانی در انگلستان، نظام حقوقی این کشور به تعیین ضوابط دقیقی مبادرت ورزیده که تعیین خسارت کامل بر اساس آن‌ها قاعده مندر و دقیق‌تر است. به دست دادن معیارهای ارزیابی چون خسارت متوقع، اتکایی و اعاده‌ای با مولفه‌ها و زیر مجموعه‌های مشخص، و تعیین دقیق موانع و شرایط ایجاد حق مطالبه خسارت، قسمتی از این ساختار قاعده‌مند است. در مقابل حقوق ایران در مواجهه با مسئله خسارت به کلی‌گویی بسنده کرده است، قانونگذار ایران نه تنها انواع خسارت قابل جبران را به صراحت تعیین نکرده است، بلکه حتی در موارد تعیین شده

نیز ضابطه ارزیابی خسارت را به دست نمی‌دهد. این امر در حالی است که انکار قانونگذار اصل وجود طریق جبرانی خسارت را در نقض تعهدات قراردادی نیز با قاطعیت در نظر نگرفته است. برای اصلاح وضع موجود و همگام سازی آن با تحول نظام های مختلف حقوقی در مواجهه با مسئله طریق جبرانی نقض تعهد، قانونگذار ایران می تواند با بهره برداری از دستاوردهای حقوق تطبیقی در حوزه حقوق قراردادی، نظامی جامع در مورد خسارت نقض تعهدات قراردادی ایجاد کند. برای رسیدن به این منظور در وهله اول باید انواع خسارت قابل جبران در حقوق ایران مشخص گردد و قانونگذار نظر قطعی خود را در خصوص مواردی از قبیل: عدم النفع، خسارت معنوی و ... اعلام نماید. در مرحله دوم باید ضوابط و معیارهای ارزیابی خسارت ارائه شود؛ زیرا از یک سو قاضی ایرانی در ارزیابی خسارت نباید از منظر قانونی چنان بی ضابطه و ملاک باشد که در حد یک کارشناس تنزل یابد. و از سوی دیگر، نباید حدود ارزیابی خسارت نقض قراردادی را چنان صلاح دیدی کرد که پیش بینی نشدنی باشد و در نتیجه نتوان این خطر پذیری ها را حذف کرد، یا با ابزارهایی، از قبیل بیمه پوشش داد.

منابع و مأخذ

- (۱) امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰، جلد اول.
- (۲) امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، جلد اول.
- (۳) امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، چ بیست و هشتم، تهران، ۱۳۸۷
- (۴) جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰، چاپ پنجم.
- (۵) جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق تعهدات، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۹، جلد اول.
- (۶) جمعی از نویسندگان، حقوق بیع بین المللی، ترجمه دکتر مهربان داراب پور، کتابخانه گنج دانش، چ اول، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲.
- (۷) حسینی نژاد، دکتر حسینقلی، مسوولیت مدنی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، جلد اول.
- (۸) رحیمی، حبیب الله، پیش بینی نقض قرارداد، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۵ و ۱۶
- (۹) رفیعی، محمد تقی، مطالعه تطبیقی غرر در معامله، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، قم، ۱۳۷۸.

۱۰) شمس ، عبدالله ، آیین دادرسی مدنی ، انتشارات دراک ، چ هشتم ، تهران ، ۱۳۸۶ ،

ج ۳ .

۱۱) شهیدی ، مهدی ، اصول قراردادها و تعهدات ، عصر حقوق ، چ اول ، تهران

، ۱۳۷۹

۱۲) شهیدی ، مهدی ، تشکیل قراردادها و تعهدات ، انتشارات مجد ، چ ششم ، تهران

، ۱۳۸۶

۱۳) شهیدی ، مهدی ، سقوط تعهدات ، انتشارات مجد ، چ هشتم ، تهران ، ۱۳۸۶ .

۱۴) شهیدی ، مهدی ، مجموعه مقالات حقوقی ، انتشارات مجد ، چ اول ، تهران

، ۱۳۸۵ .

۱۵) شهیدی ، مرحوم دکتر مهدی ، سقوط تعهدات ، تهران: انتشارات دانشگاه شهید

بهشتی ، ۱۳۷۰ ، جلد اول.

۱۶) دهخدا ، دکتر علی اکبر ، لغت‌نامه ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۷۳ ، چاپ اول ،

جلد اول.

۱۷) صادقی نشاط ، دکتر امیر ، حق فسخ قرارداد با وجود امکان الزام به اجرا در حقوق

ایران ، فصلنامه حقوق ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، دوره ۳۹ ،

شماره ۴ ، زمستان ۱۳۸۸ .

۱۸) صادقی مقدم ، محمد حسن ، تغییر در شرایط قرارداد ، نشر دادگستر ، چ اول ، تهران

۱۹) صفایی ، سید حسین - عادل ، مرتضی - کاظمی ، محمود و میرزائاد ، اکبر ، حقوق

بیع بین المللی ، انتشارات دانشگاه تهران ، چ اول ، تهران ، ۱۳۸۴ .

۲۰) صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، چ پنجم، تهران، ۱۳۸۶.

۲۱) صفائی، دکتر سید حسین، حقوق مدنی «تعهدات و قراردادها»، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱، جلد ۲.

۲۲) کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، جلد چهارم.

۲۳) کاتوزیان، دکتر ناصر، «ضمان قهری- مسوولیت مدنی»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم، جلد دوم.

۲۴) کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی «وقایع حقوقی»، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، چاپ ششم.

۲۵) کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.

کاتوزیان، ناصر، عقود معین، کتابخانه گنج دانش، چ اول، تهران، ۱۳۷۶، ج ۱.

۲۶) کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چ هشتم، تهران، ۱۳۸۲.

۲۷) کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چ پنجم، تهران، ۱۳۸۷، ج ۳.

۲۸) کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چ پنجم، تهران، ۱۳۸۷، ج ۴.

۲۹) کاتوزیان ، ناصر ، نظریه عمومی تعهدات ، مؤسسه نشر یلدا ، چ اول ، تهران ، ۱۳۷۴ .

۳۰) کاظمی ، محمود ، قاعده جلوگیری از خسارت ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، شماره ۶۸ ، تابستان ۱۳۸۴ .